خط حزب‌الله

هفته‌نامه خبری-تبیینی نمازهای جمعه، مساجد و هیئت‌های مذهبی | سال چهارم، شماره ۱۸۵ | هفته اول خرداد ۹۸ | نشریه جامعه مؤمن و انقلابی | KHAMENEI.IR

شش گفتار مهم درباره «ولایت»

از بالا خیابان مشهد که به سمت حرم امام رضا (ع) میروی نرسیده به حرم دقیقا سر چهارراه شهدا مسجد پر رفت و آمدی است که زائران و مجاوران علی بن موسی الرضا (ع) پیش یا پس از زیارت آنجا برای اقامه نماز انتخاب میکنند؛ مسجد کرامت. مسجدی است که در سالهای پیش از انقلاب یکی از مراکز اصلی مبارزه مردم مشهد علیه رژیم پهلوی بوده است. ماه رمضان سال ۵۳ برای اهالی این مسجد و امام جماعتش اگر چه همراه با بشارت فرارسیدن ماه مهمانی خدا بود اما شدت و سخت گیری ساواک در ممانعت از برگزاری جلسه قرآن و سخنرانی کام آنان را تلخ نمود. ساواک، حاجی کرامت بانی مسجد را احضار کرده بود و هشدار داده بود که سید علی خامنه‌ای از این پس حق سخنرانی در مسجد را ندارد؛ و همین مقدمه‌ای شد برای بازگشت استاد خامنه‌ای به مسجد قدیمی تر و کوچک تر مشهد: مسجد امام حسن. همین هم باعث شد مسجد امام حسن علیه السلام بعد‌ها به پیشنهاد امام جماعتش توسعه پیدا کند و حتی از مسجد کرامت هم بزرگ تر و پر رونق تر شود. این بار جلسه‌ی قرآن در مسجد امام حسن برگزار می شد با عنوانی جذاب‌تر و محتوایی گیراتر: «طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن». این جلسات چهار سرفصل اصلی داشت: ایمان، توحید، نبوت و ولایت، و فرجتی پایانی، که به موضوع ولایت اختصاص داشت. در سال‌های بعد از انقلاب بارها در قالب جزوه و کتابچه منتشر شده است. نشریه‌ی خط حزب‌الله در اطلاع‌نگاشت این هفته به اختصار به این شش گفتار مهم پرداخته است.

گفتار اول. پیامبران و کارخانه آدم‌سازی

گفتیم که پیغمبر می‌آید برای "به تکامل رساندن انسان" می‌آید برای کامل کردن و به اتمام رساندن مکارم اخلاق. از چه راهی و از چه وسیله‌ای پیغمبر استفاده می‌کند برای ساختن انسان؟ چه جوری انسان‌ها را پیغمبر می‌سازد؟ [آیا] مدرسه درست می‌کند؟ مکتب فلسفی درست می‌کند؟ [آیا] پیغمبر صومعه و جایگاه عبادت درست می‌کند؟ گفتیم که نه؛ پیغمبر برای ساختن انسان، "کارخانه‌ی انسان‌سازی" درست می‌کند. پیغمبر ترجیح می‌دهد که ده سال، بیست سال، دیرتر موفق بشود؛ اما آنچه می‌سازد، یک انسان و دو انسان و بیست تا انسان نباشد؛ کارخانه‌ی انسان‌سازی درست کند که به طور خود کار انسانِ کامل پیغمبر پسند تحویل بدهد.

کارخانهٔ انسان‌سازی چیست آقا؟ کارخانهٔ انسان‌سازی، جامعه و نظام اسلامی‌ست. اینجا آن نقطه‌ی پیچ، نقطهٔ اساسی توجه و تکیه‌ی حرف است. آنچه که باید دقت بشود فهمید، این است که پیغمبر یکی یکی گوش انسان‌ها را نمی‌گیرد به یک کنج خلوتی ببرد، در گوش‌شان زمزمه‌ی مِهر خدا بنوازد. پیغمبرها مکتب علمی و فلسفی تشکیل نمی‌دهند تا یک مشت شاگرد درست کنند، این شاگردها را بفرستند تا مردم را در اقطار عالم هدایت کنند. پیغمبر کارش از این قرص و قائم‌تر، استوارتر و ریشه‌دارتر است. چه کار می‌کند؟ یک کارخانه‌ای که از آن کارخانه جز انسان بیرون نمی‌آید، می‌سازد و آن کارخانه، "جامعه‌ی اسلامی" است.

گفتار دوم. بعد اول ولایت: به هم پیوستگی مؤمنین

یک عده و یک جبهه را پیغمبر به وجود می‌آورد، اینها در میان چه جامعه‌ای دارند زندگی می‌کنند؟ در میان جامعه‌ی جاهلی. اگر بخواهند این جریان باریک، که به نام اسلام و مسلمین به وجود آمده، در میان آن جامعه‌ی جاهلیِ پُر تعارض و پُر زحمت باقی بماند... بایستی این مسلمان‌ها را... آن چنان به هم متصل و مرتبط کنند که هیچ عاملی نتواند اینها را از یکدیگر جدا کند...

مثل چه؟ مثل یک عده کوهنوردی که از یک راه صعب‌العبور کوهستانی دارند عبور می‌کنند... تا برسند به قله‌ی کوه، به اینها گفته می‌شود کمربندهایتان را به هم ببندید، جدا جدا و تک تک حرکت نکنید که اگر تنها ماندید، خطر لغزیدن هست؛ حالت به هم‌پیستگی شدید، کوهنوردان، نمایشگر حالت به هم‌پیستگی و جوشیدگی شدید مسلمانان آغاز کار است... این پیوستگی مسلمانان با یکدیگر، آیا در قرآن و حدیث نامی دارد، یا نه؟ بله! این نام، ولایت است، ولایت... در اصطلاح لغوی قرآنی، ولایت یعنی به هم‌پیوستگی و هم‌جبهه‌گی و اتصال شدید یک عده انسانی که دارای یک فکر واحد و جویای یک هدف واحدند. هر چه بیشتر این جبهه باید افراش به همدیگر متصل باشند و از جبهه‌های دیگر و قطب‌های دیگر و قسمت‌های دیگر خودشان را جدا و کنار بگیرند، چرا؟ برای اینکه از بین نروند، هضم نشوند. این را در قرآن می گویند ولایت.

گفتار سوم. بعد دوم ولایت: قطع و ابستگی به غیر مسلمین

یکی [از ابعاد دیگر ولایت] این است که جامعه‌ی مسلمان، وابسته و پیوسته‌ی به عناصر خارج از وجود خود نباشد، پیوستگی به غیر مُسلِم نداشته باشد. و البته این پیوسته نبودن و وابسته نبودن یک حرف است، به کلی رابطه نداشتن، یک حرف دیگر است. هرگز نمی گوییم که عالم اسلام در انزوای سیاسی و اقتصادی به سر ببرد و با هیچ یک از امت‌ها و کشورها و قدرت‌های غیرمسلمان رابطه‌ای نداشته باشد؛ نه، این نیست مطلب. مسئله، مسئله‌ی وابسته نبودن است، پیوسته و دنباله‌رو نبودن است، در قدرت‌های دیگر هضم و حل نشدن است، استقلال و روی پای خود ایستادن است.

گفتار چهارم. بعد سوم ولایت: ارتباط و اتصال با ولی

یک جلوه‌ی دیگر از جلوه‌های ولایت که از همه مهم‌تر این است و ضامن بقای ولایت به معنای اول و دوم هم همین است؛ این است که جامعه‌ی اسلامی نیازمند یک مرکز اداره کننده با شرایطی خاص است. اگر [جامعه اسلامی] بخواهد آن دو رویه و دو بُعد و دو جانب ولایت را در خود تأمین بکند، محتاج است که یک مرکز فرماندهی مقتدری در درون خود داشته باشد تا همه‌ی عناصر فعال این جامعه، نشاط فکری و عملی خود را از آن مرکز الهام بگیرند. آن مرکزی که در بطن جامعه و متن جامعه‌ی اسلامی، همه‌ی جناح‌ها را اداره می کند، هر کسی را به کار لایق به شأن خودش مشغول می کند، از تعارض‌ها جلوگیری می کند، نیروها را به یک سمت هدایت می کند؛ او باید از سوی خدا باشد، باید عالِم باشد، باید آگاه باشد، باید مأمون مصون باشد، باید یک موجود تبلور یافته‌ای از تمام عناصر سازنده‌ی اسلام باشد، باید مظهر قرآن باشد؛ اسم او را چه می- گذاریم؟ اسم او را می گذاریم «ولیّ» ...این هم یک بعد و یک بدنه و یک رویه‌ی دیگر از ابعاد مسئله‌ی ولایت.

گفتار پنجم. جامعه‌ی با و لایت چگونه است ؟

ولایت یک جامعه به چیست؟ ولایت یک جامعه به این است که ولیّ در آن جامعه، اولاً مشخص باشد، بدانند که این است ولّی، ثانیاً منشأ و الهام‌بخش همه‌ی نیروها، نشاط‌ها، فعالیت‌های آن جامعه باشد. قطبی باشد که همه‌ی جوی‌ها و سر چشمه‌ها از او سرازیر می‌شود. مرکزی باشد که همه‌ی فرمان‌ها را او می‌دهد و همه‌ی قانون‌ها را او اجرایی کند. نقطه‌ای باشد که همه‌ی رشته‌ها و نخ‌ها به آنها برگردد، همه به او نگاه کنند، همه دنبال او بروند. موتور زندگی را او روشن بکند در این جامعه، راننده و پیش‌قراول کاروان زندگی در جامعه، او باشد. این جامعه، جامعه‌ی دارای ولایت است.

گفتار ششم. معنای دقیق هجرت

تعهد الهی ما این است که ما خودمان را از قید و بند ولایت طاغوت‌ها رها کنیم، نجات بدهیم و بریزیم تحت سایه‌ی پرمیمنت ولایت الله. خارج شدن از ولایت ظالم و وارد شدن به ولایت عادل، اسمش هجرت است... سؤال این است: آیا نمی‌توان در ولایت طاغوت بود و مسلمان بود؟... مسلمان زیستن، یعنی تمام امکانات و انرژی‌ها و نیروها و قدرت‌ها و استعدادهای یک انسان، در بست در اختیار خدا بودن... به‌طور کلی فرد، نمی‌تواند مسلمان باشد و وجودش، امکاناتش، انرژی‌هایش، همه‌ی قوّه‌ها و نیروهایش و استعدادهایش، تحت فرمان خدا باشد، در حالی که در جامعه‌ی طاغوتی زندگی بکند، چنین چیزی ممکن نیست... پیغمبر هم هجرت کرد؛ اما قبل از آنی که پیغمبر هجرت بکند، دار الهجره‌ای تقریباً وجود نداشت، پیغمبر با هجرت خود، دار الهجره را ایجاد کرد. گاهی لازم می‌شود که گروهی از انسان‌ها با هجرت خود، نقطه‌ی شروع هجرت را آغاز کنند، جامعه‌ی الهی و اسلامی را بنیان گذاری کنند، به وجود بیاورند، دار الهجره ایجاد کنند، آن وقت مؤمنین به آنجا هجرت کنند.

این شماره تقدیم می شود به ارواح طیبه شهدای مقاومت خرمشهر

ملت ایران! به این جوانان افتخار کنید

محمّد جهان‌آرا و دیگر جوانان ما در مقابل نیروهای مهاجم عراقی - یک لشکر مجهّز زرهی عراقی با یک تیپ نیروی مخصوص و با نود قبضه توپ که شب و روز روی خرمشهر می‌بارید - سی و پنج روز مقاومت کردند. همان‌طور که روی بغداد موشک می‌زدند، خمپاره‌ها و توپ‌های سنگین در خرمشهر روی خانه‌های مردم مرتّب می‌باریدند. با این حال جوانان ما سی و پنج روز مقاومت کردند؛ اما بغداد سه روزه تسلیم شد! ملت ایران! به این جوانان و رزمندگانتان افتخار کنید. بعد هم که می خواستند خرمشهر را تحویل بگیرند، دوباره سپاه و ارتش و بسیج با نیرویی به مراتب کمتر از نیروی عراقی رفتند خرمشهر را محاصره کردند و حدود پانزده هزار اسیر در یکی دو روز از عراقی‌ها گرفتند. ● ۸۲/۱/۲۲

نشریه جامعه مؤمن و انقلابی

صاحب‌امتیاز: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای)

ارتباط با خط حزب‌الله...

پیامک: ۱۰۰۰۱۰۲۸
دورنگار: ۶۶۹۷۷۳۲۸-۰۲۱

ایتا: eitaa.com/khattehezbollah
بله: ble.im/khattehezbollah

آپ: Gap.im/KhatteHezbollah
سروش: Sapp.ir/KhatteHezbollah

کلام امام

قدر این ضیافت الهی را بدانید

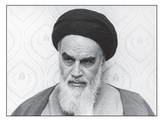

این ضیافت خیلی لطافت و ظرافت دارد، این را باید قدر بدانیم ما. این ادعیه‌ای که وارد شده است در ماه مبارک رمضان و در ماه شعبان اینها راهبر ماست به مقصد، به تعبیر شیخ ما [میرزامحمدعلی شاه‌آبادی] -رحمه‌الله- قرآن صاعد است. ادعیه را ایشان تعبیر می کرد به اینکه، قرآن نازل است و این، قرآن صاعد. در هر صورت ظرایفی در این ادعیه‌ی مبارکه هست که سابقه ندارد. اینها را توجه به آن بکنید، انسان را این ادعیه می تواند حرکت بدهد. ماه مبارک می تواند که انسان را موفق به بسیاری از امور بکند. ماه مبارک می تواند انسان را طوری بکند که تا ماه مبارک دیگر یا تا آخر، دیگر کنترل بشود و تخطی از آنچه رضای خداست نکند.● امام خمینی (ره): ۹ خرداد ۱۳۶۳

برش دیدار

از صدا و سیما گله‌مندم

راجع به زبان، بنده حقیقتش [این است که] نگرانم، واقعاً نگرانم. حالا در زمینه‌ی شعری خوشبختانه شعرهایی که شماها می گویید، خب شعر خوب، و زبان، زبان استوار است، اما در جریان عمومی زبان دارد دچار فرسایش می شود؛ این را آدم می بیند. حالا مسلّم یکی از برادرها از رادیو بودند و یک چیز خوبی رانقل کردند برای من، لکن من از صدا و سیما گله‌مندم به خاطر اینکه به جای اینکه زبان صحیح را، زبان معیار را، زبان صیقل خورده‌ی کاملاً درست را ترویج کنند، زبان بی‌هویّت، گاهی غلط، تعبیرهای غلط و دبّر از همه پُر از تعبیرات فرنگی و خارجی و مانند اینها را دارند ترویج می کنند. وقتی مثلاً فلان لغت فرنگی را که حالا یک نویسنده‌ای، یک مترجمی -که ترجمه می کرده یک مقاله‌ی انگلیسی یا فرانسوی را- آورده و عینا به کار برده، و مجری شما این را در تلویزیون، در رادیو یک بار، دو بار تکرار می کند، این میشود عمومی؛ ما بیخود و مُفتاً مُفت داریم زبان خودمان را آلوده می کنیم.● به زوائد مضر ۹۸/۲/۳۰

پرسش پاسخ

در مواجهه با دشمن چه کاری باید انجام داد ؟

در مواجهه‌ی با دشمن، شعار جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی «مقاومت» است. دشمن می‌خواهد تجاوز کند، پیشروی کند؛ دو راه در مقابل این دشمنی که می‌خواهد دائم پیش بیاید وجود دارد: یک راه این است که شما عقب بروید؛ تا شما عقب بروید او پیش می‌آید، هر چه شما عقب بروید او پیش می‌آید؛ یک راه هم این است که بایستید، مقاومت کنید. و تجربه‌ی خود ما در جمهوری اسلامی - به تجربه‌های تاریخ و صدر اسلام و مانند اینها نمی‌خواهیم تمسّک کنیم- نشان می‌دهد که مقاومت در مقابل دشمن جواب می‌دهد؛ هر جا ما مقاومت کردیم جواب گرفتیم؛ در دفاع مقدّس، در بخش‌های گوناگون، در تحریکات امنیّتی که علیه ما می کردند، در مسائل اقتصادی. یک روزی درآمد سالانه‌ی نفت ما در طول سال -که تنها امکان درآمدزایی هم نفت بود- حدود شش میلیارد بود؛ دیگر از این سختی بالاتر؟ البتّه آن وقت جمعیّت کشور خیلی کمتر از حالا بود اما باز هم پنج میلیارد و شش میلیارد درآمد برای کشور چیزی نبود؛ توانستیم بایستیم، مقاومت کردیم، مردم ایستادند. ● ۹۸/۲/۲۴

مطالبه رهبری

کشور باید دارای برنامه خوب اقتصادی باشد

امروز، مشکل عمده و نقد کشور فعلاً مشکل اقتصادی است. علّتش هم فشار بر مردم است دیگر، فشار بر معیشت مردم بخصوص طبقات ضعیف است... مردم و ضعفا در جامعه زیر فشار قرار می گیرند، دشمن [هم] طمع می کند؛ یکی از اشکالات کار این است که دشمن طمع می کند و امید می بندد؛ اعتبار کشور هم کاهش پیدا می کند، یعنی واقعاً [اگر] مشکل اقتصادی و نداشتن برنامه‌ی خوب اقتصادی و پیشرفت اقتصادی در هر کشوری وجود داشته باشد، اعتبار آن کشور الطمه می زند، لذا واقعاً باید به مسئله‌ی اقتصاد به طور جدّی پرداخت. و عرض می کنیم هیچ بن‌بستی هم به معنای واقعی کلمه در اینجا وجود ندارد، یعنی واقعاً هیچ بن‌بستی نیست، بله، مشکلات هست، موانع هست [ولی] بن‌بست وجود ندارد.● ۹۸/۲/۲۴

خاطرات رهبری

روایت رهبر انقلاب از روز فتح خرمشهر

در مورد فتح خرّمشهر، اغلب شما جوان‌ها آن روز نبودید یا اگر هم بودید کودک بودید خیلی، کوچک بودید؛ روز فتح خرّمشهر حادثه‌ی عظیمی بود. شاید هنوز چند ساعت از خبر نگذشته بود که بنده از [ساختمان] ریاست جمهوری می رفتم طرف بیت امام که خدمت امام (ره) برسم، در این خیابان و سر راه، مردم غوغا کرده بودند؛ مثل یک راه‌پیمایی، مثل یک تظاهرات [بود]. ماشین ما را که می دیدند، می آمدند جلو تبریک می گفتند. در همه‌ی کشور یک جشن عمومی خودجوش به وجود آمد؛ مسئله این قدر مسئله‌ی مهمّی بود. البتّه مردم آن روز غالباً نمی دانستند چه اتّفاقی افتاده است که این فتح به وجود آمده. از آن فداکاری‌ها، از آن ریزه‌کاری‌ها، از آن تلاش‌های عجیب و باورنکردنی، مردم اطّلاع نداشتند.● ۹۵/۳/۳

احکام شرعی

کفاره روزه و مقدار آن

س: آیا دادن پول یک مدّ طعام به فقیر تا با آن غذایی برای خودش بخرد، کافی است؟

ج: اگر اطمینان داشته باشد که فقیر به وکالت از او طعام خریده و سپس آن را به عنوان کفّاره قبول می کند، اشکال ندارد.

س: اگر شخصی وکیل در غذا دادن به عده‌ای از مساکین شود، آیا می تواند اُجرت کار و پختن غذا را از اموالی که به عنوان کفّاره به او داده شده است، بردارد؟

ج: مطالبه‌ی اجرت کار و پخت غذا برای وی جایز است، ولی نمی تواند آن را بابت کفّاره حساب نماید و یا از اموالی که باید به عنوان کفّاره به فقرا داده شود، بردارد.●

سخن هفته

رهبر انقلاب در دیدار با مسئولان نظام، بار دیگر نسبت به معضل بزرگ اقتصاد کشور هشدار دادند

سِرُم نفت

شاید پربیراه نیست اگر بگوییم یکی از مهم‌ترین کارها در حوزه‌ی اقتصادی در حال حاضر، اصلاح و ترمیم ساختار اقتصادی کشور، متناسب با شرایط جدید جنگ اقتصادی است. کاری که البته همه‌ی کشورها برای پیشرفت اقتصادی نیز انجام داده‌اند. مثلا چین بعد از انقلاب فرهنگی سال ۱۹۸۹ و قضایای میدان "تیان آن من"، در حوزه‌ی اقتصاد دست به تغییراتی اساسی زد که ساختار حکمرانی اقتصادی آن را دستخوش تحولات شگرفی کرد. همین امر هم کشوری که بیش از نیمی از مردمش توان تأمین نیازهای اولیه‌ی خود را نداشتند را تبدیل به "کارخانه‌ی بزرگ دنیا" کرد که بسیاری از تحلیلگران، ابرقدرت سال‌های پیش رو این کشور می دانند. آلمان‌ها هم پس از شکست سنگین در جنگ جهانی دوم و کاهش بی‌سابقه‌ی ارزش پول خود، با ترسیم برنامه‌ای منسجم و دقیق از مسیر اقتصادی آینده، دست به انجام تغییراتی ساختاری زدند که رفته‌رفته حال اقتصاد ویرانه‌اش را بهبود بخشید و امروزه یکی از توسعه‌یافته‌ترین اقتصادهای صنعتی جهان را دارا است.

دوبلای اقتصاد ایران

در ایران پیش از انقلاب اسلامی اما متأسفانه به دلیل حاکمیت خاندانی وابسته به بیگانه به نام "پهلوی" و به تبع آن روی کار آمدن کارگزارانی خودباخته، مسیر پیشرفت اقتصادی آنگونه که باید پیش نرفت. به همین دلیل، به جای آنکه مبنای اقتصاد کشور مبتنی بر کشف و تولید فناوری‌های صنعتی باشد، صرفا به صنعت مونتاژ (آن هم در پایین‌ترین سطح خود)، و فروش هرچه بیشتر نفت خام روی آورد و نتیجه آن شد که اقتصاد ایران، روز به روز بیشتر وابسته به بیرون شد.

در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۴ گروهی از مشاوران آمریکایی معروف به گروه مشاوران هاروارد به دعوت وزیر اقتصاد وقت، به ایران آمدند تا به بررسی مشکلات اقتصادی ایران و راهبردهای توسعه‌ی اقتصادی بپردازند. آنها بعد از نتایج پژوهش‌های میدانی خود در کتابی با عنوان "برنامه‌ریزی در ایران" چاپ کردند. از نظر این مشاوران، مشکل اصلی اقتصاد ایران، مشکلات مربوط به نظام اداری و به‌خصوص نظام مالی دولت (نظام بودجه‌ریزی) بود که آن هم ریشه در ابتنای ساختار کشور در وابستگی بی‌محابا به نفت داشت. در واقع بدن اقتصاد ایران در طی سال‌های پس از کشف نفت، مانند بدن بیماری بوده که به زور سُرُم سرا پا نگه داشته شده است و چون اعضای آن ترمیم نشده‌اند، با قطع سرم احساس درد زیادی می کنند

انقلاب اسلامی گرچه موجب شد رویکرد اقتصادی کشور از وابستگی به بیرون، به سمت خودکفایی و بومی‌سازی صنعت حرکت کند، اما متأسفانه هم‌چنان معضل بزرگ اقتصاد کشور، یعنی وابستگی به سرم نفت، از میان برداشته نشد. از طرف دیگر، دولت‌ها نیز چون توان تسلط بر هر حوزه‌ای را با استفاده از همین درآمد نفتی در خود می‌دیدند، در عمل تا حد زیادی در اقتصاد دخالت می کردند و این گونه بود که اقتصاد ایران، در کنار اقتصاد نفتی، به بلایی دیگر، یعنی اقتصاد دولتی نیز مبتلا شد.

اما اقتصاد نفتی چه بلایی بر سر کشور می آورد؟ پی آمدهای سوء اقتصاد نفتی متعدد است از جمله اینکه، وقتی نظام اقتصادی مبتنی بر درآمد و رانت نفتی شد، هر دولتی که روی کار باشد، خود را نیازمند منابع درآمدی متداول و پایدار اقتصادی که از طریق فعال کردن چرخه‌ی تولید در اقتصاد است نمی‌بیند. می‌شود ماجرای همان «بچه پولدار ملی» که پول را راحت به دست آورده است و راحت هم از دست می‌دهد و بنابراین انگیزه‌ای در جهت "رونق کسب و کار و تولید" ندارد. چراکه در اقتصادهای دنیا دولت برای کسب درآمد، ساختارهای اقتصادی را طوری تنظیم می کند که فضای تولید در کشور برای مردم و بخش خصوصی تسهیل شده و با ایجاد کمترین مانعی شکل بگیرد. به همین دلیل است که کشورهایی چون آمریکا و نروژ که دارای منابع بزرگ نفتی هستند، با فهم درست از اثرات ناشی از وابستگی ساختاری به منابع نفتی، علاوه بر استفاده از این منابع برای امور توسعه‌ای خود، اقدام به طراحی سازوکاری مقاوم بدون حضور درآمدهای نفتی در برنامه‌های سالانه و بودجه‌ای کرده‌اند و آسیب‌های ناشی از تغییرات قیمت و فروش این طلای سیاه را تقریبا به صفر رسانده‌اند.

هشدارهای رهبر انقلاب برای رهایی از اقتصاد نفتی

رهبر انقلاب با فهم دقیق از همین گزارهها بوده که تقریبا از دو دهه پیش تا به الان، نسبت به جدایی ساختار بودجه‌ای کشور از نفت، هشدار داده‌اند و متأسفانه تسلط جریان تکنوکراسی در اقتصاد ایران، مانع از تحقق آن شده است. «اقتصاد ما دچار این اشکال است که وابسته‌ی به نفت است. ما باید اقتصاد خودمان را از نفت جدا کنیم؛ دولت‌های ما در برنامه‌های اساسیِ خودشان این را بگنجانند. من هفده هجده سال قبل به دولتی که در آن زمان سر کار بود و به مسئولان گفتم کاری کنید که ما هر وقت اراده کردیم، بتوانیم در چاه‌های نفت را ببندیم. آقایان به قول خودشان "تکنوکرات" لبخند انکارزدند که مگر می شود؟ ابله، میشود، باید دنبال کرد، باید اقدام کرد، باید برنامه‌ریزی کرد. وقتی برنامه‌ی اقتصادی یک کشور به یک نقطه‌ی خاص متصل و وابسته باشد، دشمنان روی آن نقطه‌ی خاص تمرکز پیدا می کنند.» ۹۲/۱/۱

هفته‌ی گذشته نیز رهبر انقلاب در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام، بار دیگر به این موضوع اشاره کرده و فرمودند: «اقتصاد ما چند بیماری مزمن دارد که اینها را اگر بتوانیم در این برهه حل کنیم- این برهه‌ای که با مسئله‌ی نفت گلاویز هستیم و تحریم و این چیزها مطرح است- به نظر من اقتصاد ما جهش پیدا خواهد کرد. یکی مسئله‌ی وابستگی به نفت است. عیب بزرگ اقتصاد ما وابستگی به نفت است. ما این مایع را از زیر زمین درآورده‌ایم، بدون هیچ گونه ارزش افزوده‌ای این پول نقد را -مثل پول نقد است- داده‌ایم دلار گرفته‌ایم، خرج امور جاری و امور زندگی کرده‌ایم؛ این [که] غلط است. این صندوق توسعه‌ای که ما تشکیل دادیم، به خاطر همین بود که ما بتوانیم بتدریج خودمان را از نفت جدا کنیم. الان هم فرصت خوبی است؛ یکی از کارهایی که واقعاً باید در برنامه‌ریزی‌های کلان مسئولین اقتصادی ما قرار بگیرد همین است: باید کاری کنیم که وابستگی به نفت روز به روز کمتر بشود.» ۹۸/۲/۲۴

شرایط اخیر کشور، اگرچه از جنبه‌ای می تواند تهدید محسوب شود، اما با برنامه‌ریزی دقیق و منسجم، می تواند تبدیل به یک فرصت برای جهش و پیشرفت اقتصادی کشور شود. همان گونه که چینی‌ها و آلمانی‌ها از آن فرصت استفاده کردند. حل مشکلات و بیماری‌های اقتصادی ایران، کار چندان پیچیده‌ای نیست، اگر مسئولان و مدیران کشور، به جای نگاه به بیرون، به ظرفیت‌های داخل توجه کنند و برای حل این معضلات، شب و روز نشانند.●

افتتاح اولین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی (۷ خرداد ۱۳۵۹)

اگر مجلس قدرت تشخیص داشته باشد آن وقت کار آمد است

اگر مجلس، مجلسی باشد که خود نماینده و کمیسیون فکر کند و تشخیص دهد و روی آن با بفشارد و دولت را به دنبال خود بکشد، آن وقت این مجلس، مجلس کار آمدی خواهد بود که می تواند کشور را به بهترین وجهی اداره کند. ● ۷۵/۳/۲۹

تفسیر قرآن

وقتی تقوا پیشه کردید کوره‌راه‌ها عقب خواهد رفت

اگر از این راه رفتید، آن وقت نتایج خوبی به دست شما خواهد رسید که آن نتایج را هم خدا در قرآن مکرّر در آیات متعدّد قرآنی بیان کرده: [اتَّقُوا اللهَ لَعَلَّكُم تُرحَمون؛(۱) رحمت الهی؛ لَعَلَّكُم تُفلحون (۲) -فلاح یعنی رستگاری- اگر تقوا بود، رستگاری برای انسان پیش می آید؛ لَعَلَّكُم تَهتَدون؛(۳) -که در بعضی از آیات هست- تقوا موجب هدایت است، وقتی تقوا پیشه کردید، مشکلات، کوره‌راه‌ها از جلوی شما عقب خواهد رفت و راه درست برای شما روشن خواهد شد. اگر تقوا داشته باشید، موجب فرقان است: يَجعَل لَكُم فُرقانًا؛(۴) فرقان یعنی قدرت تشخیص؛ [این] خیلی مهم است. ما در همه‌ی مسائل زندگی نیاز داریم به قدرت تشخیص که راه درست را از نادرست، حق را از باطل تشخیص بدهیم. ● ۹۸/۲/۲۴

۱) سوره‌ی حجرات، بخشی از آیه‌ی ۱۰
۲) از جمله، سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۹
۳) از جمله سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۵۳
۴) سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۲۹

خانواده ایرانی

طرح‌های «ضدّ زن» به نتیجه نخواهد رسید

تا آفتاب درخشان خدیجه‌ی کبری (س) و فاطمه‌ی زهرا (س) و زینب کبری (س) می‌درخشد، طرح‌های کهنه و نو «ضدّ زن» به نتیجه نخواهد رسید و هزاران زن کربلایی ما نه‌تنها خطوط سیاه ستم‌های ظاهری را در هم شکسته‌اند، بلکه ستم‌های مدرن به زن را نیز رسوا و بی‌آبرو کرده و نشان داده‌اند که حق کرامت الهی زن، بالاترین حقوق زن است که در جهان به اصطلاح مدرن، هرگز شناخته نشده و امروز وقت شناخته‌شدن آن است. ● ۹۱/۱۲/۱۶

حزب‌الله این است

اگر صف خودی و دشمن را نشناسیم اشتباه می کنیم

اگر صف خودمان را نشناسیم اشتباه می کنیم؛ [اگر] صف دشمن را نشناسیم اشتباه می کنیم. جناب عمّار در جنگ صفّین دید یک عدّه‌ای از افراد لشکر کأنّه مضطربند، متحیّرند، جهت کار و هدف کار را درست تشخیص نمی دهند؛ احساس وظیفه کرد. عمّار، زبان گویای امیرالمؤمنین است؛ آمد در مقابل این جمعیّت ایستاد، گفت: این پرچم جبهه‌ی مقابل -پرچم بنی‌امیّه- را می‌بینید؟ همین پرچم را ما در جنگ بدر و در جنگ اُحد در مقابل خودمان داشتیم؛ این همان پرچم است. ● ۹۷/۱۲/۷

انسان ۲۵۰ساله

دنیا در چشم امیر المؤمنین (علیه‌السلام) سبک‌تر از بند کفش بود

بعد از شهادت امیرالمؤمنین (ع)، به مناسبتی نام آن بزرگوار در محضر ابن عباس به زبان آمد. ابن عباس گفت: «والسفاه علی ابی الحسن؛ و السفاه علی ابی الحسن مضی و الله ما غیر و لا بدل و لا قصر و لا جمع و لا منع و لا آخر الا الله»، برای خودش چیزی جمع نکرد. برای خودش هیچ کار مادی نکرد. چیزی را مگر خدا ترجیح نداد. در همه‌ی کارها، قصدش خدا بود. هدف او فقط و فقط کسب رضایت خدا بود. مصداق آیه‌ی شریفه‌ی «و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله و الله رؤوف بالعباد» که اول خطبه خواندم، امیرالمؤمنین (ع) است. بعد، ابن عباس گفت: «والله لقد کانت الدنیا هون علیه من شسع نعله»، به خدا دنیا و این زینت‌ها و زخارف و ثروت‌ها و خوشی‌های آن، در چشم او کوچک‌تر و سبک‌تر از بند کفش او بود. «لیث فی الوغی» و من میدان جنگ، شیر درنده بود. «بحر فی المجالس»، وقتی که جای گفتگو و افاده و علم و معرفت بود، دریا بود. «حکیم فی الحکماء»؛ اگر حکمای عالم جایی جمع می‌شدند، در میان آنها، کسی که حکمت را باید از او بیاموزند، علی بود. «هیهات قد مضی الی الدرجات العلی.» ● ۷۱/۱/۷